



A Critical Review of Foundations and Methods of Exaggerators in Shiite Qur'anic Commentaries

Maryam Il y inezhad¹ | Mahdi Motia² | Amir Ahmadnezhad³

1. PhD Student, Department of of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Education of Ahl al- Bayt (AS), University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: allahyarinezhad@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Education of Ahl al- Bayt (AS), University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.motia@ltr.ui.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Education of Ahl al- Bayt (AS), University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: ahmadnezhad@ltr.ui.ac

Abstract

The exaggerators (Ghulāt) were the first group of interpretive currents in Shiite history to introduce heresy into Islamic teachings by incorporating their exaggerated ideas into Shi'i interpretive and hadith texts. They were divided into two groups of atheists and non-atheists, each of whom entered Quranic interpretation with their own presuppositions and interpreted the verses of the Quran according to their own methods. Therefore, it is very important to know their bases and methods of interpretation in order to recognize them better. In this article, an attempt is made to extract the exaggerations in Shi'a Quranic commentaries. Using the descriptive-analytical-critical method, their foundations and methods are examined and criticized and validated with the help of hadith criticism tools. Based on the hadiths of the great exaggerators, it is found that most of their hadiths in the Shi'ah commentaries have fundamental problems in terms of sanad and hadith text. In addition, the contents of many of these narratives are in conflict with the principles and branches of Shari'a.

Keywords: Commentaries of the Holy Qur'an, Narratives, Methods, Foundations.

Cite this article: Allahyarinezhad, M., Motia, M., & Ahmadnezhad, A. (2024). A Critical Review of Foundations and Methods of Exaggerators in Shiite Qur'anic Commentaries. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (2), 349-374. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.350374.670084>



Article Type: Research Paper

Received: 25-Oct-2022

Received in revised form: 7-May-2023

Accepted: 3-Jul-2023

Published online: 18-Mar-2024



بررسی نقادانه مبانی و روش‌های غلات در تفاسیر شیعه قرآن کریم

مریم الهیاری نژاد^۱ | مهدی مطیع^۲ | امیر احمدنژاد^۳

۱. دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: allahyarinejhad@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.motia@ltr.ui.ac.ir
۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: ahmadnezhad@ltr.ui.ac

چکیده

غالیان اولین گروه از جریان‌های تاویل‌گرا در تاریخ شیعه هستند که با وارد کردن اندیشه‌های غلوآمیز در متون تفسیری و حدیثی شیعه، سبب بدعت‌گذاری در معارف اسلامی گردیده‌اند. غالیان دارای دو گروه الحادی و غیر الحادی بوده که هرکدام با پیش-فرض‌های خاص خود، وارد تفسیر قرآن شده و آیات قرآن را به نوعی تأویل و تفسیر کرده‌اند. لذا شناخت مبانی و روش‌های تفسیری غلات در جهت شناساندن بهتر و بیشتر غالیان اهمیت زیادی دارد.

این مقاله درصدد است روایات غالیان در تفاسیر شیعی قرآن کریم را استخراج نموده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی-انتقادی مبانی و روش‌های غالیان را بررسی و با کمک ابزارهای نقد حدیث به نقد و اعتبارسنجی آن‌ها بپردازد. با استخراج روایات سران غالی روشن گردید که اکثریت احادیث سران غلات در تفاسیر شیعی دارای اشکالات اساسی در سند و متن احادیث‌اند و محتوای بسیاری از آن‌ها با اصول و فروع شریعت در تعارض‌اند.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر قرآن کریم، روایات، روش‌ها، مبانی.

استناد: الهیاری نژاد، مریم، مطیع، مهدی، و احمدنژاد، امیر (۱۴۰۲). بررسی نقادانه مبانی و روش‌های غلات در تفاسیر شیعه قرآن کریم. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۲)، ۳۴۹-۳۷۴.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

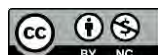
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲

انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.350374.670084>



مقدمه

هریک از مفسران و دانشمندان مبانی و روش‌های متفاوتی در تفسیر قرآن داشته‌اند که اختلاف آن‌ها در بهره‌گیری از مبانی و روش‌ها و قواعد تفسیری باعث به‌وجود آمدن رویکردها و گرایش‌های مختلف در تفسیر شده‌است.

غلات یکی از گروه‌های تأویل‌گرای روایت‌محور شیعه هستند که همانند دیگر گروه‌ها، مبانی و روش‌های خاصی در تفسیر آیات مربوط به احکام و شریعت داشته‌اند. غالیان با وارد شدن در حوزه تفسیر قرآن، آثار مخرب و زیان‌بار زیادی بر متون تفسیری شیعه بر جای نهاده‌اند. لذا، در این تحقیق با بررسی روایات غالیان در تفاسیر شیعی، تلاش می‌شود در ابتدا مبانی و روش‌های غلات در تفسیر قرآن کریم را یافته و سپس با کمک نقد سندی و محتوایی ساحت تفاسیر قرآن از این روایات پیراسته گردد. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

آیا غالیان در مباحث تفسیر قرآن شرکت کرده و آثاری بر جای گذاشته‌اند؟ در چه میزان از این روایات مفاهیم غلوآمیز مشاهده می‌شود؟ غالیان از چه مبانی و روش‌هایی در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های خود بهره برده‌اند؟

در این مقاله به تناسب روایاتی که در تفاسیر شیعی آمده‌است، علاوه بر بررسی مبانی غالیان، به بازشناسی برداشت‌های انحرافی غالیان از برخی باورهای اصیل شیعی (علم امام، ولایت و وصایت، مهدویت، تحریف قرآن، تأویل قرآن و...) پرداخته شده و جنبه غالیانه آن‌ها با دلایل رجالی، عقلی، نقلی، تاریخی و با ملاک قرار دادن معیارهای فوق بررسی شده‌است.

پیشینه تحقیق

در سده‌های گذشته درباره بحث غلو و غالیان جز دو رساله که به بررسی موردی روایات تفسیری سران غالی در تفاسیر نورالثقلین^۱ و قمی و عیاشی^۲ پرداخته‌اند، هیچ‌کس به جمع‌آوری و بررسی همه روایات تفسیری سران غالی در تفاسیر شیعه پرداخته‌است.

هرچند مقالات در موضوع «غلو» زیاد است، اما تاکنون هیچ پژوهشی مبانی و روش‌های غلات را به کمک روایات وارده از آنان در منابع تفسیری و روایی بررسی نکرده‌است.

۱. مفهوم‌شناسی غلو

کلمه «غلو» مصدر فعل «غَلَى یَغْلُو» به معنای افراط و تجاوز از حد و خروج از قصد و اعتدال است (ابن منظور، ۱۳۱/۱۵؛ حسینی زبیدی، ۲۳/۲۰، راغب اصفهانی، ۶۱۳). معنای اصطلاحی «غلو» عبارت

^۱ بررسی روایات تفسیری غلات، پایان‌نامه ارشد، تحقیق کورش زارع شببانی و راهنمایی محمدتقی دیاری بیدگلی، ۱۳۸۵ ش.

^۲ غلو و غالیان و متهمین به غلو در تفاسیر قمی و عیاشی، رساله دکتری، تحقیق فرناز پروبیزی و راهنمایی مهدی اکبر نژاد، ۱۳۹۷ ش.

است از «ادعای گونه‌ای الوهیت یا ربوبیت و یا حداقل نبوت در مورد ائمه (ع) و سایرین» (کلینی، ۲۳۰/۴، ۱۸۶/۲). غلات کسانی‌اند که برای بالابردن مقام و منزلت پیشوا و شخصیت محبوب، دچار افراط‌گرایی شده و او را بدون اذن و اراده الهی، دارای اوصاف الهی چون ولایت تکوینی و تشریحی بدانند (انصاری بوبر احمدی، ۱۶).

۲. معیار غلو

با توجه به اینکه غلو، باور به شئونی فراتر از «حد» واقعی معصومان (ع) است، تبیین این حد می‌تواند غلو و غالی را معین کند. شیخ مفید در کتاب‌های «تصحیح الاعتقاد» و «اوائل المقالات» معیارهایی برای غالی برشمرده است که نسبت دادن هرکدام از این معیارها به معصوم (ع) غلو محسوب می‌شود. البته این مسائل و موضوعات، نباید سبب تقصیر در ذکر اوصاف و مناقب معصومین (ع) شود. از جمله آن معیارها عبارتند از:

۱. نسبت الوهیت دادن به پیامبران و امامان (مفید، تصحیح الاعتقادات، ۱۳۱/۵-۱۳۶).
۲. اعتقاد به اباحه‌گری و حلول و تناسخ در مورد پیامبران و امامان (همان).
۳. نسبت دادن صفات و ویژگی‌هایی خارج از حد بشری به ائمه (ع) که خود شامل چند مورد است: الف) اعتقاد به علم ذاتی و مطلق پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ ب) واجب و ضروری دانستن علم معصومین به همه علوم و زبان‌ها؛ ب) اعتقاد به خلقت ارواح معصومین (ع) قبل از خلقت آدم؛ ج) انکار مرگ پیامبر (ص) و امامان (ع) (همان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۵۹/۴-۷۲).
۴. تفویض یا واگذاری امور به معصومان (ع) در رازقیت، خالقیت، ربوبیت، میراندن، زنده کردن و مواردی از این قبیل (مجلسی، ۱۴۲/۳-۱۴۶). البته نباید مسئله «تفویض» را به طور مطلق نفی کرد. علامه مجلسی تفویض در موارد زیر را برای معصومان (ع) جایز می‌شمارد:
 - ۱-۴. تفویض در امر دین (تعیین حلال و حرام در چهارچوب وحی)؛
 - ۲-۴. تفویض امور سیاسی و اجتماعی مردم و تعلیم و تربیت آن‌ها؛
 - ۳-۴. تفویض در امر قضاوت براساس ظواهر یا علم باطن؛
 - ۴-۴. تفویض اختیار در اعطاء یا منع اموال به مردم و انجام معجزات به اذن خداوند (همان، ۱۴۲/۳-۱۴۶).

۳. مبانی غلات در تفسیر قرآن

«مبانی» در لغت به معنای «اساس و بنیان یک شیء» است (ابن فارس، ۳۰۲/۱). «مبانی تفسیر»، باورها و اصول پذیرفته شده مفسران است که در فرایند تفسیر ایفای نقش می‌کند و سبب رویکرد متفاوت مفسران در تفسیر می‌گردد (مؤدب، ۴۰).

در رابطه با غالیان در ابتدا باید دید که آنان در تفسیر فعالیت داشته‌اند یا خیر؟ این امر قطعی و مسلم است که غالیان کتاب مستقلی در تفسیر قرآن ندارند، اما براساس قرائنی، فعالیت‌هایی از سوی غالیان در تفسیر قرآن انجام شده است. به عنوان مثال کتاب «الاظلة» یکی از میراث غلات کوفه است که در بردانده روایاتی درباره تفسیر است. کتاب «حقایق اسرار دین» از ابن شعبه حرانی، از دیگر آثار غالیان در تفسیر است. کتاب‌های دیگری نیز از غالیان وجود دارند که هرکدام بخشی از میراث و روایات تفسیری غلات را آورده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت که غالیان در طول تاریخ کم و بیش به تفسیر پرداخته و دارای یک سری مبانی در تفسیر هستند. برای یافتن مبانی و روش‌های غلات، یا باید اساس کار را یکی از کتاب‌های تفسیری آنان قرار داد که این امر به دلیل در دسترس نبودن منابع مستقل در این حوزه (از جمله الاظلة و حقایق اسرار دین) امکان‌پذیر نیست یا اینکه باید سراغ روایات به‌جامانده از آنان در منابع مختلف رفته و با گردآوری روایات آنان مبانی‌شان را استخراج کرد. در این پژوهش، شیوه دوم انتخاب شده است. ناگفته نماند که در این پژوهش مبانی غلو غیرالحادی تحقیق شده است. برای بررسی مبانی، احادیثی که در سلسله سند آنان نام یا نام‌هایی از افراد سران غالی وجود دارد، گردآوری و سپس تحلیل می‌شود. به دلیل اختلاف نظر رجال‌شناسان در شناخت راویان غالی،^۳ با استخراج تمامی راویان غالی تعداد آنان به ۱۷۰ نفر رسید. به دلیل تعداد زیاد غالیان، در این تحقیق فقط به جمع‌آوری روایات تفسیری سران غالی در تفاسیر شیعی در دسترس پرداخته می‌شود. اسامی سران غالی (که تعدادشان ۳۲ نفر است)^۴ نیز با عنایت به پایان‌نامه «بررسی روایات تفسیری غلات» به دست آمد.

بعد از تتبعاتی که صورت گرفت، روشن شد که بسیاری از «سران غلات» نامشان در سلسله سند هیچ روایتی نیست و فقط تعداد اندکی از آنان در تفاسیر شیعی روایت دارند و بیشترشان هیچ روایتی در هیچ کتاب تفسیری ندارند. تعداد روایات آنان در هر تفسیر در جدول زیر قابل مشاهده است.

^۳. آیت‌الله خویی ۱۵۰ نفر از راویان را به عنوان غالی و متهم به غلو شناخته است، اما نجاشی ۳۲ نفر از راویان را به سبب داشتن اندیشه غلوآمیز تضعیف کرده است (۱۸، صص ۴۷-۶۶).

^۴. اسامی سران غالی عبارتند از: ابن کرب، محمدبن علی شلمغانی، ابو جعفر محمدبن نعمان الاحول، ابوالحکم هشام بن سالم الجوالیقی، ابوالخطاب، محمدبن مقلاص اسدی کوفی اجدع، زراد بزاز، ابوطاهر محمدبن علی بن بلال، ابومنصور العجلی، ابومحمد الشریعی، ابوهاشم عبدالله بن محمدبن حنفیه، احمدبن هلال عبرتایی، بزیع بن موسی، بشار الشعیری، بیان بن سمعان التیمی، حارث الشامی، حمزه بن عماره البربری، زراره بن اعین، سزی، صائد النهدی، عبدالله بن حارث المدائنی، عبدالله بن سبا، عبدالله بن عمرو بن حرب الکندی، عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، عمر بن بیان العجلی، کیسان، محمد بن بشیر، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی ابی طالب، محمد بن نصیر (نصر) النمیری، معمر بن خیثم (معمر بن احمر)، مغیره بن سعید بجلی، مفضل بن عمر، ابومحمد هشام بن حکم، ابومحمد یونس بن عبدالرحمن قمی، مولی آل یقطین.

جدول ۱- تعداد روایات سران غالی در تفاسیر شیعی قرآن

نام تفاسیر	تعداد روایات	نام راوی حدیث غالی	نام امام یا مرسل بودن حدیث	موضوعات روایات
قرآن‌الکریم ثمالی	۳ روایت	۱ روایت از مفضل بن عمر، ۲ روایت از یونس بن عبدالرحمن	مرسل	وصف امام علی (ع)
عیاشی	-	-	-	-
قمی	۱ روایت	یونس بن عبدالرحمن	امام باقر (ع) ائمه (ع)	خلقت آسمان‌ها و زمین به خاطر
تبیان	-	-	-	-
فرات کوفی	۲ روایت	۱ روایت از ابوالخطاب، ۱ روایت از مفضل بن عمر	امام صادق (ع)- مرسل	خلقت انبیا از روح خدا-شرح آیه
مجمع البیان	۴ روایت	معمربن	مرسل	توضیح معنای واژه و آیه
جوامع الجامع	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	تطبیق آیه بر شیعیان علی (ع)
روض الجنان	۲ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	معاد، بی‌ارزش بودن دنیا
زبدة التفاسیر	۱ روایت	معمربن	مرسل	تقال زدن
زبدة البیان	۱ روایت	هشام بن سالم	امام صادق (ع)	مذمت ربا
المعین	۱ روایت	مفضل بن عمر	مرسل	وصف امام علی (ع)
الصادق	۲ روایت	مفضل بن عمر، محمد بن بشیر	امام صادق (ع)	ولایت امیرالمؤمنین و تناسخ
البرهان	با حذف مکررات ۳۰ روایت	۲۰ روایت از مفضل بن عمر، ۶ روایت از محمد بن نصیر، ۱ روایت از یونس بن عبدالرحمن، ۳ روایت از محمد بن بشیر	امام صادق (ع)، رسول اکرم (ص)، بعضاً مرسل	معنای واژگان آیات، تطبیق آیات بر امامت به ویژه امام علی (ع)، رجعت، خروج قائم (عج)، خلقت ارواح هزاران سال قبل از خلقت، خلقت و مراحل آن، فضیلت آیه‌الکرسی، توحید، برپایی تقیه تا زمان ظهور تفسیر و تطبیق آیه بردشمنان ائمه (ع) و شفاعت شیعیان
نورالتقلین	۱۲ روایت	۱۱ روایت از مفضل، ۱ روایت از یونس بن عبدالرحمن	امام باقر (ع) امام صادق (ع)	توحید، معاد، رجعت، علم نامحدود امام، فضیلت ماه، سحر پیامبر (ص)، فضیلت رمضان

نام تفسیر	تعداد روایات	نام راوی حدیث عالی	نام امام یا مرسل بودن حدیث	موضوعات روایات
کنز الدقائق و بحر الفرائب	۶۴ روایت	۴۵ روایت از یونس بن عبدالرحمن، ۱۹ روایت از مفضل بن عمر (با حذف مکررات)	امام باقر (ع)	توحید و خداشناسی، معراج، ولایت، مقام و علم بالای اهل بیت (ع)، عدم علم مطلق امام، وعده جنت به شیعیان، تفسیر چندآیه احکام معرفی امام علی (ع) به عنوان دابة الارض، اشاره به خلقت انسان و مراحل آن
الفرقان	۸ روایت	۵ روایت از محمد بن نصر، ۲ روایت از مفضل بن عمر، ۱ روایت از یونس بن عبدالرحمن	۳ روایت از امام صادق، بقیه مرسل	ولایت، شرح آیه، حکم شرب خمر تکرار حوادث در تمامی امت‌ها
الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	ظهور امام زمان (عج)
انوار درخشان	۴ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	امامت و خلقت همه ارواح هزاران سال قبل خلقت
تاویل الآیات الظاهره	روایت	معمر	مرسل	تفسیر و تطبیق آیه به افراد خاص
آسان	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	تطبیق آیه بر امام زمان (عج)
اثنی عشری	۲ روایت	مفضل بن عمر، محمد بن بشیر	امام صادق (ع)، و بعضاً مرسل	شرح آیه، خلقت ارواح هزاران سال قبل خلقت، تطبیق آیه بر امام زمان (عج)، ثواب تلاوت قرآن
المعین واعطی شیرازی	۳ روایت	مفضل بن عمر	مسند از امام صادق (ع)	وصف ناجی و بخشندگی، ارزش کتابت
جامع	۳ روایت	۲ روایت از محمد بن نصر، یک روایت از محمد بن بشیر، احمد بن هلال، ابی الخطاب	امام باقر (ع) و امام صادق (ع)	ثواب قرائت قرآن، تأثیر معوذتین در سحر و جادو، اسامی غلات در شمار شیاطین
احسن الحدیث	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق (ع)	سؤال از تفسیر یکی از صحابه
المیزان	۵ روایت	۱ روایت از مفضل بن عمر، ۴ روایت از محمد بن نصر	امام صادق (ع)، بعضاً هم مرسل	توحید و خداشناسی، فضیلت آیه الکرسی
نهج البیان	۱ روایت	محمد بن نصر	مرسل	فضیلت آیه الکرسی

نام تفسیر	تعداد روایات	نام راوی حدیث غالی	نام امام یا مرسل بودن حدیث	موضوعات روایات
من هدی القرآن	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق(ع)	خلقت و مراحل آن
من وحی القرآن	۱ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق(ع)	تجدید وضو
کنز العرفان	۲ روایت	یونس بن عبدالرحمن، مفضل بن عمر	امام صادق(ع) و امام باقر(ع)	شرح آیات الاحکام
اطیب البیان	۲ روایت	مفضل بن عمر	امام صادق(ع)	تفسیر آیه العصر، شمردن اسامی راویان غالی

درباره جدول فوق و روایات گردآوری شده از تفاسیر، نکاتی قابل ذکر است:

۱. تعداد روایات غالیان پس از حذف مکررات در مجموع، ۱۶۴ روایت است. با دقت در جدول بالا روشن می‌شود که تفاسیر شیعی متقدم یا احادیث سران غالی را نقل نکرده‌اند، یا اگر هم نقل کرده‌اند تعداد روایاتشان بسیار محدود است، مانند تفسیر تبیان، عیاشی، قمی، فرات کوفی، مجمع‌البیان و جوامع‌الجامع؛ اما مفسران متأخر، از قرن دهم و یازدهم به بعد، ظاهراً با رواج اخباری‌گری، به نقل روایات غالیان گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند.
 ۲. اکثر روایات نقل شده در تفاسیر (بالغ بر نصف یا دوسوم روایات) از سوی راویانی نقل شده که متهم به غلو بودند و در واقع از اصحاب ائمه (ع) بوده‌اند، مانند مفضل بن عمر و یونس بن عبدالرحمن و هشام بن سالم. درباره این افراد نیز لازم است این مسئله بررسی شود که آیا این راویان واقعا غالی بوده‌اند یا خیر؟
 ۳. روایات زراره که متهم به غلو شده، در تفاسیر شیعی زیاد است و استخراج آنان خارج از این مقال اندک است. با توصیف رجالیون^۵ از زراره، درباره وثاقت وی شک و تردیدی باقی نمی‌ماند، لذا از آوردن روایات وی در اینجا صرف‌نظر شده است.
- استخراج روایات پیروان سران فرق غلات تحقیق دیگری می‌طلبد. در این پژوهش بعد از استخراج روایات سران غلات از تفاسیر، مبانی و روش‌های غالیان غیرالحادی، به عبارتی مفوضه، به قرار زیر است:

^۵ نجاشی می‌گوید: «او شیخ ما و قاری، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بود. همهٔ خصلت‌های فضل و دین در او جمع شده، در روایاتش راستگو و صاحب کتاب بود» (۶۱، ص ۱۷۵). شیخ طوسی روایات زیادی در مدح او آورده است (۴۶، ج ۱، صص ۳۴۵-۳۵۰). در روایتی امام صادق(ع)، زراره را از بهترین انسان‌ها و از مصادیق آیه شریفه «السابقون السابقون» می‌شمارد (۴۶، ص ۳۴۸).

۱-۳. تفویض

«تفویض» نقطه مقابل جبر است و در لغت به معنای واگذار کردن کار به دیگری و حاکم گردانیدن او در آن کار است (۱۳، ج ۵، ص ۷۱). در اصطلاح علم کلام، عبارت است از اعتقاد به اینکه خداوند پس از آفرینش بندگان، آنان را به خود وا گذاشته، در اعمال آنان هیچ نقشی ندارد (مفید، تصحیح الاعتقادات الامیه، ۱۳۴). مفوضه معتقد بودند که پیامبر و ائمه (ع)، اولین و تنها مخلوقاتی هستند که مستقیماً به دست قدرت حق، از ماده‌ای متفاوت با سایر بشر آفریده شدند. سپس خداوند قدرت و مسئولیت امور عالم خلقت مانند خلق و روزی و... را به آن‌ها واگذار فرمود (مدرسی طباطبایی، ۷۰؛ صفار، ۶۰ و ۶۱). از جمله نمونه‌های حدیثی این مبنا در تفاسیر عبارتند از:

۱. مفضل بن عمر روایتی با سند (علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ائمه، عن محمد بن سنان) از امام صادق (ع) نقل کرده که: بین خداوند و حجتش هیچ حجاب و پوششی نیست. ما دروازه‌های خدا، صراط مستقیم، مخزن علم، پایه‌های توحید هستیم (بحرانی، ۱۱۳/۱).
۲. حدیث دیگری با سند (الحسن بن عبدالصمد، عن الحسن بن علی بن ابي عثمان، قال: حدثنا العباد بن عبد الخالق، عن حدثه، عن ابي عبدالله (ع) و عن محمد بن سنان عن المفضل) از امام صادق (ع) نقل شده: خداوند هزار عالم دارد که هر کدام بیش از هفت آسمان و هفت زمین دارند، هر یک از آن‌ها نمی‌دانند که خداوند عالمی غیر از آن‌ها دارد و من دلیل همه آن‌ها هستم (همان، ۱۰۹/۱).

۳. مفضل در روایت دیگری از جعفر بن محمد الفزازی از امام صادق (ع) روایت کرده: ای مفضل، خداوند ما را از نور خود و شیعیان را از نور ما آفرید. ای مفضل! ما باب خدا، حجت او و خزائن او در آسمان و زمین هستیم. حرام ما حرام خدا و حلال ما حلال اوست (کوفی، ۵۲۹). غلات بنا به احادیث فوق ادعا کرده‌اند که هیچ حجابی بین ائمه (ع) و خدا نیست و آن‌ها حجت و دلیل و دروازه‌های خدا در آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه‌اند. روایت آخر صراحت آشکاری در امر تفویض و اختیارات وسیع ائمه در آسمان‌ها و زمین دارد. لازم به ذکر است که روایاتی در الکافی در باب «تفویض تشریح» آمده است (کشی، ۱/۲-۹). همچنین صاحب کتاب بصائر الدرجات دو باب از کتابش را به روایاتی که ائمه (ع) خود را باب الله، وجه الله، عین الله معرفی کرده‌اند، اختصاص داده است (صفار، ۶۱-۶۶).

۲-۳. علم و قدرت امام

علم غیب امام یکی از آموزه‌های ویژه شیعه است. درباره علم غیب امام دو نگرش عمده بین متکلمان شیعی وجود دارد؛ یک نگرش علم غیب امام را محدود و نگرش دیگر نامحدود می‌داند. نگرش علم غیب محدود امام، نگرشی عام و فراگیر است که از زمان غیبت امام عصر و پیدایش مباحث کلامی مورد توجه متکلمانی مانند شیخ مفید (مغید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۸)، سید

مرتضی (همان، ۱۸۱-۱۸۳)، علامه حلی (همان، اجوبة المسائل المهنائیه، ۱۴۸) و دیگران قرار گرفته است. و نگرش نامحدود بودن علم غیب امام را شیخ مفید به نوبختیان نسبت داده (مفید، مسائل العکبریه، ۸۸)، اما ظاهراً در دوره‌های متأخر نیز بین دانشمندان، متکلمان و عارفان طرفداران بیشتری پیدا کرده است (طوسی، الغیبه، ۱۲ و ۱۳). یکی از مبانی اعتقادی غالیان باور آنان به علم غیب مطلق و ذاتی معصومین (ع) است (مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۴۰ و ۹۱). غالیان برای اثبات مدعای خود به روایات استناد می‌کنند (کشی، ۱/۵۴۳-۵۶۵). روایاتی که در این حوزه از جانب سران غلات وارد تفاسیر شیعی شده است، بالغ بر ۲۰-۳۰ روایت است و بیشتر آن‌ها از مفضل نقل شده است. از جمله آن‌ها:

۴. مفضل به صورت مرفوع از امام صادق (ع) نقل کرده که امام به ایشان گفت: «ای مفضل، آیا کنه معرفت محمد، علی، فاطمه، الحسن و الحسین (ع) را می‌شناسی؟ گفتم: سرورم کنه معرفت آن‌ها چیست؟ گفت: ای مفضل، هرآنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفرید، می‌دانند و آن‌ها کلمه التقوی و خزائن آسمان‌ها و زمین‌ها هستند. هیچ برگی از درخت نمی‌افتد و هیچ دانه‌ای در زمین و تر و خشکی نیست، مگر اینکه آن‌ها آن را می‌دانند» (بحرانی، ۴/۵۶۹). این روایت با همین سند و با تقطیع و اندکی تغییرات در متن حدیث در تفسیر کنزالدقائق (قمی مشهدی، ۱۱/۶۲) و تفسیر الفرقان (صادقی تهرانی، ۲۴/۲۵ و ۲۵) نیز آمده است.

۵. مفضل در روایتی با واسطه از امام علی (ع) با سند «أحمد بن مهران، عن محمد بن علی، و محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد، جميعاً عن محمد بن سنان، عن المفضل» نقل کرده: ویژگی‌هایی بر من داده شده که قبل از من بر هیچ‌کس جز رسول اکرم (ص) داده نشد و آن‌ها عبارتند از: علم منایا و بلایا و انساب و فصل الخطاب (قمی مشهدی، ۱۱/۲۱۴)؛ عروسی حویزی، ۴/۴۴۵). این روایت با اندکی اضافات از طریق دیگری^۶ نیز آمده است (قمی مشهدی، ۳/۵۷)؛ بحرانی، ۲/۲۲۵).

۶. سدید الصیرفی روایتی در تفسیر آیه ۱۳ سوره اسراء آورده: «من، مفضل، ابوبصیر و ابان بن ثعلب بر امام صادق (ع) وارد شدیم، در حالی که او می‌گریست و می‌گفت: اربابم! غیبت شما باعث شد، رنج‌های ابدیت را متحمل شوم و سپس گفت: امروز صبح به کتاب الجفر نگاه کردم، در آن همه مصیبت‌ها و بلایا و اسامی ائمه (ع) بعد از پیامبر (ص) و طول عمر و طولانی بودن غیبت امام زمان و مصیبت‌هایی که تا زمان ظهور بر سر مؤمنان می‌آید، همه در آن آمده است. خداوند متعال می‌فرماید: «کردار نیک و بد هر انسانی را چون طوقی به گردنش آویخته‌ایم» (الاسراء: ۱۳) و منظور از آن «ولایت» است» (صادقی تهرانی، ۲۲/۲۹۰؛ مجلسی، ۵۱/۲۱۹).

^۶ أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن أبيه عن ابن أبي عمير عن المفضل بن عمر عن الصادق (ع).

۳-۳. اباحه گری (نمادین انگاری تکالیف شرعی)

یکی دیگر از مبانی مهم غالیان، جایگزینی معرفت و محبت امام به جای انجام تکالیف و احکام شرعی است، که اباحه گری نام دارد (بهبودی، ۶۷). به اعتقاد غالیان اگر شخص، امام خود را بشناسد دیگر نیازی به انجام تکالیف شرعی نخواهد داشت با این تعبیر که «من عرف الإمام فلیصنع ما شاء» (نوبختی، ۳۳ و ۴۳). بر این اساس آنان احکام و عبادات دینی را به افراد تأویل می‌کردند (همان، ۴۳). به عقیده غلات باطن واجبات، ولایت ائمه (ع) و باطن محرمات، برائت از خلفاست. این معنا در پاره‌ای از روایاتی که غلات جعل کرده‌اند، آمده است. از جمله این روایات:

۷. حدیثی با سند (محمد بن خالد البرقی مرفوعاً، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن زید، عن أبي جعفر (ع)) در تفسیر آیه «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً... وَ يَتْلُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ الصَّلَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (البینه: ۲-۵). از امام باقر (ع) روایت کرده: در آیات شریفه منظور از «صحف مطهره»، ائمه (ع)، «صلاه»، امیرالمؤمنین علی (ع) و «دین قییم»، حضرت فاطمه (س) می‌باشد (بحرانی، ۷/۱۸۷).

۸. بحرانی حدیثی را از شیخ طوسی از فضل بن شاذان نقل کرده که داود بن کثیر گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: [آیا] شما در کتاب خدای عزوجل همان نماز، زکات و حج هستید؟ پاسخ داد: ما در کتاب خدا همان نماز، زکات، روزه، حج، ماه حرام، کعبه خدا و روی خداییم (همان، ۵۳/۱).
 ۹. مفضل در حدیثی از امام صادق (ع) درباره معنی آیه «لِيَعْرِفَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا آخَرَ» (الفتح: ۲) پرسید، ایشان فرمودند: خدا ضامن شد به خاطر رسولش، گناهان متقدم و متأخر شیعه علی بن ابیطالب را بیامرزد (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۴/۵۹۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۲/۱۴۲؛ کاشانی، ۸/۳۶۲؛ عروسی حویزی، ۵/۵۵؛ کاشانی، زبدة التفسیر، ۶/۳۷۳).

روایات فوق بیانگر دیدگاه خاص غلات به نام «اباحه گری» است. غالیان احکام دینی مثل نماز و روزه و... را صرفاً برای آماده‌سازی جهت ورود در عرصه‌های معرفت امام می‌دانند و معتقدند پس از آن دیگر نیازی به انجام این تکالیف نیست. لذا آنان در مراحل اولیه بر انجام تکالیفی مانند نماز و روزه، به خاطر در امان ماندن از تیررس دشمنان تأکید داشتند (نوبختی، ۴۲ و ۴۳؛ اشعری، ۹۱ و ۹۲)، ولی به علت تفاوت سطوح معرفت امام انجام اعمال عبادی را برای سران غلات، ضروری نمی‌دانند (قبادی و مهدوی‌راد، ۱۱۰-۱۴۶).

۳-۴. تعریف قرآن

مصونیت قرآن از تحریف و تبدیل، از جمله اعتقاداتی است که ریشه در مبانی همه فرق اسلامی به ویژه تشیع دارد. با وجود دلایل گویا و روشن بر عدم تحریف قرآن، غالیان برای اثبات عقاید خود برای اولین بار نظریه تحریف و اسقاط قسمتی از آیات قرآنی را مطرح کردند. اصلی‌ترین دلیل قائلان به تحریف و غلات این بود که مخالفان، فضیلت‌های اهل بیت (ع) و عیوب دشمنانشان را از قرآن

زوده‌اند. علامه عسکری بر این نظر است که غالبان نقش مؤثری در راه‌یابی اختلاف قرائات موجود داشته‌اند (عسکری، ۲۴۶/۳). روایات تفسیری موجود غلات در تفاسیر قرآن نیز گویای این حقیقت است.

۱. حمران بن اعین در حدیثی با سند (السیاری عن محمد بن سنان عن ابی خالد القمط عن حمران بن اعین) در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۳۳)، از امام صادق (ع) نقل کرده که: از امام صادق (ع) شنیدم آیه «ان الله اصطفى آدم...»، را با اضافه کردن «وآل محمد» تلاوت می‌کرد، سپس فرمود: به خدا سوگند! آیه چنین نازل شده است و عبارت «آل محمد» از آیه حذف شده است (عیاشی، ۳۰/۱؛ دیاری بیدگلی، ۲۳-۴۰).

۲. مفضل بن عمر در حدیثی با سند (محمد بن یعقوب عن علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن الحسين، عن عمر بن یزید، عن محمد بن جمهور، عن محمد بن سنان)، نقل کرده که از امام صادق (ع) درباره آیه «أَنْتَ بَقْرَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ» (یونس: ۱۵) سؤال کردم، امام فرمودند: آنان گفتند علی را عوض کن (بحرانی، ۲۰/۳؛ عروسی حویزی، ۲۹۶/۲؛ صادقی تهرانی، ۴۰/۱۴).

۳. در تفسیر آیه «سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ» (الرحمن: ۳۱)، روایتی از امام صادق (ع) با سند (محمد بن العباس، قال: حدثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن هارون ابن خارجة، عن يعقوب بن شعيب) نقل شده که مراد از «ثقلان» کتاب خدا و اهل بیت (ع) است (بحرانی، ۲۳۷/۵). همین روایت با سند دیگری نیز نقل شده است.

با توجه به روایات مذکور روشن گردید که غالبان برای ترویج عقاید انحرافی و باطل خود و رسیدن به اهداف و نیت‌های ناپاک خود، چنین ادعاهایی را مطرح کرده و در عمل نیز اقدام به تحریف آیات قرآن و روایات کرده‌اند.

۴. نقد و نظر

در زیر به بررسی و نقد تک‌تک مبانی غالبان در تفسیر قرآن پرداخته می‌شود:

۴-۱. تفویض

«تفویض» از دیدگاه تشیع یکی از خطرناک‌ترین انواع غلو محسوب می‌شود و تفویض در حکم «غلو در ذات» و در حکم تکفیر و شرک به خدا محسوب می‌گردد (سلطانی، ۶۲). اما اساساً نقد نگرش تفویضی به امامان (ع) به راحتی نقد نگرش الحادی نیست. با این حال به ذکر برخی ادله می‌پردازیم:

۷. محمد بن همام، عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن السندي بن محمد، عن أبان بن عثمان، عن زرارة، قال: سألت أبا جعفر (ع).

****دلیل عقلی:** عقیده به تفویض موجب خدشه در توحید افعالی خداوند می‌گردد. همچنین مخلوق بودن بشر و تقیید آفرینش او به ظرف زمانی خاص، بهترین دلیل بر عدم تسلط علمی و فعلی او بر زمان قبل از آفرینش اوست و این خود، موجب تخصیص در کلیت تفویض خواهد بود. حال آنکه مدعا، کلیت چنین تفویضی است (قبادی و مهدوی‌راد، ۱۱۰-۱۴۶). نیز تفویض، موجب کنار گذاشتن و حذف خداوند از صحنه هستی و نیز شرکت در خلقت می‌شود و این همان معنای روایت امام رضا است: «الغلاه کفار و المفوضه مشرکون» (ابن بابویه، ۲۰۳/۱).

* دلیل نقلی: برخی آیات قرآن مانند آیه ۴۰ سوره روم به توحید افعالی خداوند ناظرند. در آیات بسیار دیگری تأکید شده که پیامبران مردمانی عادی بودند که مانند همه مردم زندگی کرده و درگذشتند، جز اینکه به آنان وحی می‌شد (المائده: ۷۵؛ ابراهیم: ۳۸؛ الفرقان: ۲۰؛ الکهف: ۱۱۰). براساس روایاتی موثوق الصدور، اموری چون خلق، رزق، امانه و... فقط قابلیت استناد به خداوند را دارد (مجلسی، ۳۲۸/۲۵).

یکی از دلایل مفوضه بر این مبنای اعتقادی‌شان، روایات هستند. چند نمونه از روایات غالیان در موضوع تفویض، که در تفاسیر شیعه وارد شده، در بالا ذکر گردید.

اشکالات سندی روایات

در احادیث مذکور در سند هر دو حدیث محمد بن سنان و مفضل بن عمر قرار دارند. محمد بن سنان بسیار ضعیف است و به احادیث او هیچ اعتمادی نیست (نجاشی، ۳۲۸). کشی درباره او می‌گوید: «روایت کردن احادیث محمد بن سنان حلال نیست» (کشی، ۶۸۷/۲). مفضل بن عمر نیز از یاران امام صادق (ع) بوده و فرقه مفضلیه به ایشان منسوب است. رجالیون شیعی درباره وثاقت یا تضعیف او اختلاف کرده‌اند. نجاشی از وی با الفاظ «فاسدالمذهب»، «مضطرب‌الروایه»، «لایعیا به» یاد می‌کند و می‌نویسد: «گفته شده او خطابی بوده و نوشتارها و کتاب‌هایی برای او ذکر شده که به آن‌ها اعتماد نمی‌شود، ولی من به خاطر التزام به ذکر کتاب‌های نویسندگان شیعه، کتاب‌های او را نام می‌برم» (نجاشی، ۴۱۶). کشی نیز روایات مدح و ذم (کشی، ۴۰۵) درباره او می‌آورد و می‌گوید: «پس از دوران استقامت، به خطابی‌گری رجوع کرد و روایات مدح را باید مربوط به دوران استقامتش دانست» (همان، ۲۸۰). ابن غضائری نیز به شدت او را رد کرده و با الفاظ «ضعیف، فاسدالمذهب، مضطرب‌الروایه، لایعیا به، مرتفع القول، خطابی، لا یجوز ان یکتب حدیثه»، از او یاد کرده‌است (واسطی بغدادی، ۱۳۱/۶). شیخ طوسی در توصیف او به عبارت «لقی اباعبدالله (ع)» کفایت می‌کند. اما آیت الله خویی مفضل را از اتهامات پاک دانسته و در دفاع از وی می‌گوید: برخی روایات ذم درباره او، مردود یا قابل تأویل است و ممکن است برخی از آن‌ها برای تقیه و حفظ جان مفضل بوده باشد. همچنین مضطرب‌الروایه بودن-برفرض صحت-سبب عدم وثاقت نیست (موسوی خوئی، ۳۱۹/۱۹). محمد باقر بهبودی، هاشم معروف الحسنی و محمد روحانی علی آبادی مفضل را تضعیف کرده و وثاقت و

روایات وی را قابل تأمل بسیار می‌داند (بهبودی، ۲۳۱-۲۳۲؛ حسنی، ۲۳۲ و ۲۳۹ و ۲۴۱). برای برطرف شدن این اختلاف لازم است روایات وی از نظر موضوعی و میزان وجود مباحث غلوآمیز در روایاتش مورد بررسی قرار گیرد. مفضل بن عمر با حذف مکررات، در تفاسیر شیعی جمعاً ۸۴ روایت دارد که ۲۲ روایت درباره تطبیق آیات بر امامت و ولایت به ویژه ولایت امام علی (ع) و علم بیکران او و شیعیان و دشمنان ائمه (ع) است. ۱۲ روایت درباره ظهور امام زمان (عج)^۱ و اخراالزمان و رجعت در آن زمان است، ۷ روایت درباره احکام، ۴ روایت درباره توحید، ۴ روایت درباره معاد، ۲ روایت درباره فضائل سور و ۲۹ روایت درباره مسائل و موضوعات متنوع. با نگاه کلی به روایات مفضل در تفاسیر مشاهده می‌گردد که مفضل تلاش می‌کند تا اکثر احادیث و آیات را به امام علی (ع) و موضوعات مربوط به ایشان (ولایتشان، علم امام علی (ع)، دوستان و دشمنان او) تأویل نماید و بعضاً این تأویلات بسیار بعید و عجیب می‌نماید. لذا با بررسی روایات او در تفاسیر این گونه بنظر می‌رسد که رگه‌هایی از افراطی‌گری در فضایل ائمه (ع) در درونش و روایات رسیده از او وجود دارد.

در سند حدیث دوم عبارت «عمن حدته»، نشان از مرسل بودن حدیث دارد. بنابراین حدیث اول و دوم ضعیف هستند. در حدیث سوم عبارت «معنعن» سبب ضعف و مرسل شدن آن گردیده و نیز جعفر بن محمد الفزازی در کتب رجالی نامی از او برده نشده، لذا حدیث مهممل وضعیف است. لذا هر سه حدیث بالا که توسط سران غالی نقل شده‌اند، ضعیف هستند.

اشکالات محتوایی

متن دو روایت نخست از نظر محتوای کلی متین و با بسیاری از روایات محکم قابل تأیید هستند. این روایات بیانگر این مطلب هستند ائمه (ع) صراط مستقیم و مسیر رسیدن به خداوند تعالی هستند. با این حال اشکالاتی نیز در آن‌ها وجود دارد که احتمالاً از سوی غالیان به آن‌ها افزوده شده‌است. در حدیث اول ادعا شده که بین خدا و امامان هیچ حجابی وجود ندارد، درحالی که روایات دیگری نشان از وجود حجاب بین خدا و معصوم (ع) دارند: «إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ الرَّبِّ لَسَبْعِينَ حِجَابًا» (مجلسی، ۴۴/۵۸)، «بینه و بین الملائكة سبعون حجاباً» (همان). در جای دیگر، به نود حجاب نورانی بین حضرت رسول و ذات مقدس اشاره شده‌است (همان، ۲۹۳/۱۶). در روایت دوم اگر عدد وجود عوالم هزارگانه را واقعی حساب کنیم، با مفاهیم قرآنی و روایی سازگاری ندارد، چرا که در قران صحبت از هفت آسمان و یک زمین و بعضاً در روایات سخن از زمین‌های هفتگانه شده‌است. اما اگر عدد را عدد کثرت قلمداد کنیم، باز روایت اشکال دارد، چون بنابه روایت هر هزار عالم هر کدام هفت آسمان و هفت زمین دارند و این با علم نجوم و کیهان‌شناسی در تناقض است.

^۱ نویسنده مقاله در صدد استخراج روایات مفضل در تفاسیر روایی شیعه است.

در دو روایت دوم و سوم، به نوعی اشاره به خلقت نوری ائمه (ع) شده است. در میراث روایی، روایات فراوانی از وجود پیشین اهل بیت (ع) به نحو عام و از خلقت نوری^۹ ایشان به نحو خاص سخن گفته‌اند. دانشمندان دینی در طول تاریخ به بررسی این موضوع و شرح و تفسیر این روایات پرداخته‌اند. در نگاهی کلی، می‌توان مواضع اندیشمندان امامی را در قبال این موضوع به سه دسته تقسیم کرد: ۱. نقل و پذیرش مضمون این روایات با رویکرد نص‌گرایانه و تلاش برای تفسیر آن‌ها، نظیر آنچه نزد صفار، کلینی و صدوق و نیز نص‌گرایان متأخر همانند مجلسی (مجلسی، ۲۵/۱۵، ۱۴۳/۵۸) می‌توان دید؛ ۲. انکار یا تأویل مضمون آن‌ها با رویکرد عقل‌گرایانه، نظیر آنچه نزد شیخ مفید می‌بینیم (مفید، المسائل السروریه، ۳۹-۴۰؛ همان، مسائل العکبریه، ۲۸-۲۹)؛ ۳. پذیرش مضمون آن‌ها با تفسیر و رویکرد فلسفی-عرفانی که در مکتب ملاصدرا مشهود است (صدرالدین شیرازی، ۱۵۲/۴-۱۵۴؛ کاشانی، ۱۸۹-۱۹۱).

محدثین و از جمله شیخ صدوق، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) را اولین مخلوق عالم دانسته و برای اثبات نظریه خود به آیاتی از قرآن (البقره: ۳۱) و روایات استناد کرده‌اند (صدوق، ۱/۱۷۴). به اعتقاد محدثین با وجود افراد متهم به غلو در سلسله سند برخی از این روایات، حضور افرادی چون محمد بن مسلم، ابان بن عثمان، ابو بصیر و ابو حمزه ثمالی باعث پذیرش این احادیث می‌شود (توران، ۸۴ و ۸۵)، ولی متکلمینی چون شیخ مفید با این دیدگاه مخالفت ورزیده و الفاظ و معانی این را متفاوت و متباین دانسته و آن‌ها را عقیده حشویه و غلات دانسته است. ایشان مراد از روایات دال بر انوار و اشباح آل محمد (ص) قبل از حضرت آدم (ع) را وجودهای مثالی و نه وجود حقیقی آن‌ها دانسته‌اند. شیخ مفید می‌گوید غالبان سخنان باطل فراوانی را بر پایه همین روایات مطرح کرده‌اند (مفید، مسائل السروریه، ۳۸۴ و ۲۷۲۹). ۱۰ اما دآوری درباره این موضوع و بررسی اختلافات بین متکلمان و محدثان در این حوزه از عهده این مقاله خارج است.

۴-۲. علم امام

یکی از باورهای غلات، اعتقاد به علم غیب مطلق امام است. احادیث مورد استناد غلات در این حوزه دارای اشکالات سندی و محتوایی است.

اشکالات سندی

حدیث اول سندش ضعیف و مرسل است. در حدیث دوم محمد بن علی غالی (کشی، ۲/۸۲۳)، احمد بن مهران، ضعیف (واسطی بغدادی، ۴۲) است و توصیف محمد بن سنان و مفضل بن عمر نیز قبلاً

^۹ برای مطالعات بیشتر رجوع شود به کتاب «خلقت نوری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در اندیشه امامان نخستین»، نویسنده: امداد توران، ۱۳۹۸، قم، انتشارات دار الحدیث.

^{۱۰} غلات کتابی با عنوان «الأشباح والأطلة» دارند که ظاهراً -از اسمش این‌گونه پیداست- روایات خلقت نوری در این کتاب آمده است.

ذکر گردید. در روایت سوم نیز محمد بن بحر، غالی (نجاشی، ۲۸۴؛ واسطی بغدادی، ۹۸)، احمد بن علی البدیلی و علی بن حارث و احمد بن عیسی الوشاء مهمل، و سعید بن منصور از رؤسای زیدیه است (کشی، ۴۹۹/۲).

اشکالات محتوایی

علم غیب به دو دسته ذاتی-استقلالی و موهبتی-تعلیمی تقسیم می‌شود. علم غیب ذاتی، مطلق و فراگیر است و به ذات اقدس الهی اختصاص دارد. آیات زیادی بیانگر این انحصارند (الانعام: ۵۹؛ لقمان: ۳۴؛ النمل: ۶۵؛ هود: ۱۲۳). در آیات دیگر، خداوند علم غیب را از پیامبر و امامان منتفی دانسته و آن را اختصاص به خود داده است (الاعراف: ۱۸۸). خداوند در آیاتی دیگر از آشکار کردن علم غیب خودش برای رسولانی که مورد رضا و برگزیده او باشند، سخن گفته است. (الجن: ۲۶). بنابراین می‌توان گفت که خداوند علم خویش را به هر یک از رسولانش که مورد رضای او باشد، از روی لطف و تفضل خواهد بخشید (موهبتی)، اما یقیناً این موهبت شامل تمامی علم غیب نیست: «و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو» (الانعام: ۵۹). به بیان دیگر، علم پیامبر (ص)، علمی تعلیمی است: «و علم آدم الأسماء کلها» (البقره: ۳۱) و شامل بخشی از اسرار غیبی است نه تمام آن (صفری فروشانی، دانشنامه امام علی (ع)، ۳۹۲). لذا می‌توان گفت این آیات بر علم اجمالی پیامبران بر مقداری از علم غیب کلی دلالت دارند.

همان‌طور که ذکر شد، غلات اعتقاد به علم غیب مطلق امام دارند. دلیل آن‌ها بر این مدعا روایات رسیده از معصومین (ع) است. در حالی که در کنار روایات مورد استناد غلات، روایات دیگری وجود دارند که به لحاظ محتوا با مستندات آنان تعارضی آشکار دارند (مجلسی، ۹۱/۲۵؛ صفار، ۳۴، ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۵۰؛ کشی، ۵۳۲، ۵۸۷).

همچنین امامان صراحتاً، با چنین طرز تفکری برخورد کرده‌اند. آنان از طرفی الوهیت و علم غیب ذاتی را از خود نفی کرده و از طرف دیگر کوشیده‌اند اوصاف و فضایل آنان مورد غفلت، تجاهل و تکذیب قرار نگیرد (صفار، ۲۴۱/۱؛ مجلسی، ۲۷۹/۲۵). سخن غالیان از پشتوانه سنت نیز برخوردار نیست، زیرا با مطالعه زندگینامه و منابع تاریخی، عدم وجود علم مطلق پیامبر (ص) اثبات می‌گردد. مثل فرستادن جاسوس در میان سپاه دشمن، به همراه بردن راهنما برای رفتن از مکه به مدینه، گم شدن شتر و... البته این همه در کنار موارد خاص و غیرقابل انکاری است که حکایت می‌کند، آن حضرت مؤید به تأییدات الهی بودند و از طریق رؤیا یا وحی از برخی اخبار غیبی آگاه می‌شدند (صفری فروشانی، دانشنامه امام علی (ع)، ۳۹۲، ۳۹۳). البته اعتقاد به علم غیب غیر مستقل از خدا برای معصومین (ع) نباید سبب شود، علم غیب آن بزرگواران را به کلی نفی کرد و در حق ایشان تقصیر کرد. بلکه همان‌طور که ذکر گردید، آنان به اذن الهی علم اجمالی بر مقداری از علم غیب کلی و نیز علم به امور جزئی دارند. از جمله مواردی که معصومین (ع) به آن علم دارند، می‌توان به، علم به ظاهر

و باطن، علم به خبرهای گذشته و آینده، علم به ضمایر افراد و کفر و ایمان آن‌ها، اطلاع از ملائکه، گیاهان، حیوانات، جمادات و اطلاع از حوادث مختلف و... اشاره کرد (مفید، مسائل السروریه، ۱۴۶/۳-۱۴۲). البته نباید اعتقاد داشت که علم به جزئیات همه علوم و زبان‌ها برای معصومین (ع) لازم و ضروری می‌باشد (مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۵۹/۴-۷۲). چرا که بیان گردید اعتقاد به علم غیر مستقل و مطلق و کلی برای ائمه (ع) و اعتقاد به ضروری دانستن علم به تمامی علوم برای آن بزرگواران جزو مصادیق غلو محسوب می‌شود.

درباره استفاده امامان از منابعی چون جفر، جامعه، کتاب علی (ع) و مصحف حضرت زهرا (س) که در روایات به آن اشاره شده است، باید گفت، وجود چنین منابعی تا حد زیادی به نحو منطقی و معقول توجیه‌گر چگونگی علم امامان است، اما معقول نیست که تمامی حوادث جزء به جزء در آن‌ها آمده باشد، مگر اینکه قائل شویم، علم به کلیات در آن‌ها آمده است.

لازم به ذکر است که مفضل در روایاتش معمولاً تلاش می‌کند، همه را به نوعی به مسئله امامت تأویل نماید. به عنوان مثال در حدیث اول صحبت از جاری شدن سنت‌های الهی در همه امت‌هاست و در روایت دیگر، صحبت از غیبت امام زمان (عج) است. اما مفضل هر دو را به نوعی به موضوع ولایت و امامت ربط داده است، با اینکه غیبت و ظهور امام زمان (عج) یکی از موضوعات مسلم و قطعی شیعه است و نیازی به تأویل یا توجیه روایات نیست. بنابراین دیدگاه درست در این حوزه این است که بنا به فرموده خود ائمه (ع) از طرفی نباید مقام و علم امامان را تا حد الوهیت بالا برد و از طرف دیگر نباید فضایل و اوصاف آنان مورد غفلت قرار گیرد.

۴-۲-۱. اباحه‌گری

غالیان برای فرار از رعایت احکام دینی، معرفت و محبت امام (ع) را برای رسیدن به رستگاری کافی می‌دانستند. طبعاً چنین نگرشی بنا به تعبیر قرآن «بل یرید الإنسان لیفجر امامه»، طرفداران بیشتری خواهد داشت.

اشکالات سندی

احادیث مذکور در این حوزه، اسانید ضعیفی دارند: در اسانید آن‌ها عمرو بن شمر (واسطی بغدادی، ۷۴) و داود بن کثیر قرار دارد که از غلات هستند (نجاشی، ۱۵۶، کشی، ۷۰۹/۲) و حدیث آخر به صورت مرسل از مفضل نقل شده است.

اشکالات محتوایی

فساد متن این روایات نیز واضح است. چرا که همگی خلاف ظاهر آیات تأویل و تفسیر شده‌اند. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «غالیان به جهت فرار از برپا داشتن واجبات و ادای حقوق، نافرمانی خدا را کوچک شمرده‌اند (حاجی زاده و دیگران، ۱۰۹-۱۳۶).

ناگفته نماند که این اعتقادات شیعیان بسیار شبیه موضوع «فدیه» در مسیحیت است؛ آنان نیز معتقدند با ایمان آوردن به حضرت عیسی و قربانی شدن ایشان به خاطر بشر، دیگر نیازی به انجام تکالیف شرعی نیست. غالیان نیز دقیقاً معتقدند، شناخت امام کفایت از انجام تکالیف شرعی می‌کند.

۳-۴. تعریف لفظی قرآن

قسمت اعظم روایات با موضوع تحریف قرآن از کتاب احمد بن محمد سیاری نقل شده است که علمای رجال به فساد مذهبش اتفاق کرده‌اند و بخشی از آن روایات از کتاب علی بن احمد کوفی نقل شده که علمای رجال او را کذاب و فاسدالمذهب دانسته‌اند (موسوی خوئی، ۲۲۰-۲۲۵). محمد بن سنان نیز بسیار ضعیف است (همان، ۳۲۸). روایت اول موهم تحریف به تقیصه در قرآن است. احمد بن محمد بن سیار معروف به ابو عبدالله سیاری قمی^{۱۱} که از غالیان است _ در سند ۳۷۵ روایت تحریف قرآن واقع شده است (دیاری بیدگلی، ۲۳-۴۰)؛ اما چون این تحقیق بیشتر به روایات تفسیری سران غلات پرداخته از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. در سند حدیث دوم، محمد بن جمهور و محمد بن سنان قرار دارد که هر دو متهم به غلو هستند (موسوی خوئی، ۱۶۹/۷). در روایت سوم نیز محمد بن عیسی یقطینی غالی و ابان بن عثمان، فاسد المذهب‌اند.

اشکالات محتوایی

سیاق آیه ۱۵ سوره یونس با تفسیر مذکور ناسازگار است؛ زیرا آیه، درباره بیان دیدگاه مشرکان در تغییر یا جابجایی قرآن است که در اصل دعوت مشکل داشتند، نه در مورد وصایت امام علی (ع). در مورد روایت سوم نیز، در سراسر سوره الرحمن، انس و جن مورد خطاب هستند. اگر مراد از ثقلان، قرآن و عترت باشد، باید آیات مکرر این سوره «فبای الاء ربکما تکذبان» هم خطاب به آن دو باشد. در حالی که با فرض صحت روایت، معنای سوره نامناسب خواهد بود؛ زیرا چگونه ممکن است قرآن و عترت، نعمت‌های پرورگارشان را تکذیب کنند.

۵. روش‌های تفسیری غلات

روش تفسیر «مسیر یا فرایندی است که مفسر آن را در فهم آیات دنبال می‌کند و اختلاف در آن، سبب تفاوت در فهم آیات می‌شود» (مؤدب، ۱۲). هر گروه و فرقه‌ای دارای مبانی و روش‌های خاص خود هستند. غلات نیز دارای روش‌های تفسیری خاصی اند که عبارتند از:

^{۱۱} رجال‌شناسان سیاری را فردی ضعیف الحدیث، فاسد المذهب، کثیر المراسیل و غالی معرفی کرده‌اند (موسوی خوئی، ۲۸۲/۲-۲۸۴).

۱-۵. جعل حدیث

حدیث از جانب غلات گاهی به صورت آشکار و گاهی نیز به صورت دس و پنهانی بود.^{۱۲} از جمله روایات جعلی و ساختگی غلات که در تفاسیر شیعی وارد شده است، عبارتند از:

۱. روایات خلق ارواح قبل از ابدان: روایتی با سند (أحمد بن محمد بن الهیثم العجلی، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن یحیی بن زکریا القطان، قال: حدثنا أبو محمد بکر بن عبد الله بن حبیب، قال: حدثنا تمیم بن بهلول [عن أبيه]، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله (ع)؛ از امام صادق (ع) نقل شده که: آفریدگار ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید و اشرف آن‌ها ارواح محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سائر اوصیاء (ع) هستند و آن انوار مقدسه را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه فرمود و نور آن‌ها بر همه احاطه یافت، فرمود که این‌ها دوستان و حجت‌های من هستند، نیافریدم خلقی را محبوب‌تر از آن‌ها (حسینی همدانی، ۱۲۸/۱؛ بحرانی، ۱۸۳/۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۴۹۸/۱۰).

۲. یونس بن عبدالرحمن در تفسیر آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (الحجر: ۸۷)، حدیثی را مرفوعاً^{۱۳} از امام صادق (ع) نقل می‌کند: ظاهر آن سوره حمد و باطن آن فرزند فرزند است و هفتمین آن‌ها قائم است (جعفری، ۸۴/۶؛ صادقی تهرانی، ۳۸۶/۳). در روایتی دیگر از علی بن یزید القمی آمده: مراد از «آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» ائمه (ع) و منظور از «وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» علی بن ابیطالب است (کوفی، ۲۳۱/۱).

۲-۵. تطبیق و تأویلات بی‌اساسی آیات قرآن

تأویل در لغت به معنای بازگشتن است (مفید، تصحیح الاعتقادات الامامیه، ۴-۵۹). و در اصطلاح در معانی متفاوتی به کار رفته است. در دیدگاه جدید تأویل همان «بطن قرآن» است. تأویل در این معنا یک حقیقت ثانویه گشته است. غالبان برای اثبات سخنان خود به تأویل آیات پرداختند و از همین رهگذر مدعی تحریف قرآن شدند. تأویلات غالبان از نمونه‌های «تطبیق باطل»^{۱۴} است. بسیاری از تطبیقات باطل در روایات، ساخته دست غلات است. تطبیقات باطل توسط غلات به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱-۲-۵. تطبیقات مخالف نص و سیاق آیات

اکثر تأویلات غالبان با نص و سیاق آیات، مغایرت دارد.

^{۱۲} همان‌طور که در نمونه‌های تفسیری مشاهده گردید که در سند بسیاری از روایات افراد مهمل و مجهول وجود دارند، این امر این احتمال را تقویت می‌کند که شاید این افراد به صورت ساختگی در سند روایات قرار گرفته باشند.

^{۱۳} با سند عن ذکره، رفعه، قال: سألت أبا عبد الله (ع).

^{۱۴} روایات تفسیری که علاوه بر ضعف سند، متن آن‌ها نیز با اصول و قواعد عقلی و نقلی و عرفی مخالف است، این‌گونه روایات تفسیری از مصادیق روایات تفسیری «تطبیق باطل» است (شاکر، ۱۷۴).

۱. در روایتی با سند^{۱۵} (احمد بن علی قال: حدثني الحسين بن احمد عن أحمد بن هلال عن عمرو و الكلبي عن أبي الصامت قال: قال أبو عبد الله (ع)) آمده که: در آیه «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ عَتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» منظور از «الساعة» در این آیه امام علی (ع) است (ع) است (ج، ۷، ص ۴، ۷؛ ج، ۶۴، ص ۲، ۱۱۲). این روایت در تفاسیر البرهان و کنز الدقایق و نور الثقلین نیز با همین سند آمده است.^{۱۶}

۲. در تفسیر آیه «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» (السجده: ۲۱) حدیثی با سند (محمد بن العباس، قال: حدثنا علی بن حاتم، عن حسن بن محمد بن عبد الواحد، عن حفص بن عمر بن سالم، عن محمد بن حسین بن عجلان، عن مفضل) از حضرت صادق (ع) روایت شده که: «عذاب ادنی» عذاب سفر و «عذاب اکبر» حضرت مهدی (عج) است و وسیله اش شمشیر است (بحرانی، ۴/۴۰۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۰/۴۹۲).

۳. مفضل در تفسیر آیه «فَقَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُتَسَلِّينَ»، روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده: زمانی که قائم (عج) قیام کند مردم را مخاطب قرار داده و این آیه را تلاوت می‌کند: «و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد» (بحرانی، ۴/۱۷۴؛ قمی مشهدی، ۱۹/۴۶۴؛ عروسی حویزی، ۴/۴۹).

۵-۲-۲. تطبیقات مخالف واقعیت‌های تاریخی

بعضی از روایات منقول از غلات با واقعیت‌های تاریخی مخالف‌اند.

۱. در حدیثی با سند احمد بن القاسم، از احمد بن محمد از المفضل از امام صادق (ع) نقل شده که در آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (الانشراح: ۷، ۸) منظور این است که وقتی از نبوت فارغ شدی، علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کن (بحرانی، ۵/۶۸۹؛ قمی مشهدی، ۱۴/۳۳۸).
۲. در تفسیر آیه «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ» (الماعون: ۱)، حدیثی با سند محمد بن جمهور، عن عبد الرحمن بن کثیر، عن أبي جميلة، عن أبي أسامة، از امام صادق (ع) نقل شده که مراد از دین، ولایت علی (ع) است (بحرانی، ۵/۷۶۸).

۶. نقد و نظر

ذیلاً به بررسی و تحلیل و نقد روش‌های تفسیری غلات پرداخته می‌شود:

^{۱۵}. طریق دیگر حدیث: (أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس الموصلي، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهري، قال: حدثنا أحمد بن علي الحميري، قال: حدثني الحسن بن أيوب، عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، عن المفضل) (بحرانی، ۴/۱۱۵).

^{۱۶}. البته ناگفته نماند که وجود این روایات در تفاسیر قمی، البرهان و نور الثقلین دلالت بر غالی دانستن این تفاسیر ندارد. هدف مقاله، استخراج تمامی روایات سران غالی از تفاسیر شیعه است.

۶-۱. جعل حدیث

نمونه‌های تفسیری ذکر شده صراحت دارند که ساخته و پرداخته دست غالیان‌اند.

اشکالات سندی

در سند این روایات محمد بن سنان و مفضل بن عمرو یونس بن عبدالرحمن قرار دارند. محمد بن سنان و مفضل بن عمر که ذکرشان گذشت و اما یونس بن عبدالرحمن: یونس بن عبدالرحمن از خواص یاران امام رضا (ع) و وکیل ایشان بوده‌است. امام رضا (ع) بهشت را برای وی ضمانت کرده و او را مسلمان زمانه خود می‌دانست (کشی، ۲/ ۷۸۰ و ۷۸۱). نجاشی و شیخ طوسی او را توثیق (همان؛ ۴۴۶، ۶۱) و کشی درباره او روایات ذم و مدح آورده‌است. طی تبعاتی که صورت گرفت، یونس بن عبدالرحمن جمعاً ۴۹ روایت در تفاسیر شیعه دارد که ۱۸ روایت آن درباره تطبیق و تفسیر آیات بر ائمه (ع) به ویژه امام علی (ع) و دوستان و دشمنان او، ۱۲ روایت درباره احکام، ۴ روایت درباره توحید و یک روایت درباره علم امام-که اعتقاد به عدم علم مطلق ائمه (ع) دارد- و ۱۳ روایت درباره موضوعات مختلف است. با توجه به اینکه وی به عنوان یکی از سران غالی معرفی شده و روایات ذم و مدح درباره او وجود دارد، لازم است تأملی در روایاتش انجام گیرد. با نگاهی عمیق به احادیث منقول از وی روشن می‌گردد که روایاتش زیاد جنبه افراطی ندارد و به نظر می‌رسد از بین ۴۹ روایت، سه روایت او جعلی یا افراطی باشد، اما این سه روایت وی نیز که به ایشان منتسب شده‌است به نظر می‌رسد که جعلی باشند. یکی از آن روایات همین روایت فوق است که جعلی بودن آن روشن است؛ چون از نظر سندی تمام سندهای روایت ضعیف است. چرا که در سند آن علی بن یزید، مهمل و حسان العامری مجهول است (کشی، ۱۱۳). محتوای آن‌ها نیز اشکالات اساسی دارد که ذیلاً بررسی می‌گردد.

روایت دیگر یونس بن عبدالرحمن که به نظر غلوآمیز می‌رسد، حدیثی است که در آن امام علی (ع) به عنوان دابة الارض و نجات دهنده آخر الزمان معرفی شده‌است.^{۱۸} این روایت بیشتر شبیه روایات اهل سنت است که در آن‌ها امام علی (ع) به عنوان دابة الارض معرفی شده‌است.^{۱۹}

^{۱۷}. نویسنده مقاله فقط در صدد گزارش کلی از روایات یونس بن عبدالرحمن در تفاسیر شیعه است. وگرنه این گزارش دلالتی بر اینکه روایات یونس بن عبدالرحمن (از جمله روایات احکام و ...) مباحثی غلو آمیزند، ندارد. خصوصاً که ما می‌دانیم یونس بن عبدالرحمن از خواص اصحاب ائمه (ع) بوده‌اند. اما چون متهم به غلو شده‌اند نام او را آورده و روایاتش از کتب تفسیری استخراج گردید.

^{۱۸}. حدیثنا الحسن بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن عبد الرحمن، عن سماعة بن مهران، عن الفضل بن یزید، عن الأصیغ بن نباتة قال: قال لي معاوية: يا معشر الشيعة، تزعمون أن علياً دابة الأرض. فقلت: نحن نقول، و اليهود يقولون. قال: فأرسل إلي رأس الجالوت، فقال له: ويحك، تجدون دابة الأرض عندكم مكتوبة؟ فقال: نعم. فقال: فما هي؟ [فقال: رجل. فقال: أنتدري ما اسمه؟ قال:

نعم، اسمه إلبا. قال: فالتفت إلي فقال: ويحك، يا أصيغ، ما أقرب إلينا من عليا. (قمی مشهدی، ۵۹۴/۹)

^{۱۹}. ر.م: نقد و بررسی روایات اهل سنت درباره دابة الارض، به تحقیق مریم الهیاری نژاد، مجله مشرق موعود.

اشکالات محتوایی

محتوای روایات مطروح اشکالات اساسی دارند. اولاً؛ خلقت ارواح دو هزار سال قبل از خلقت آدم با آموزه‌های عقلانی سازگار نیست. شیخ مفید در این مورد می‌نویسد: «اینکه بگوییم ذوات ائمه (ع) قبل از آدم (ع) موجود بودند، باطل و دور از حقیقت است و هیچ درس خوانده‌ای به آن اعتقاد ندارد و هیچ دانشمندی به آن متدین نیست، و تنها طوائفی از غلات نادان و حشویه شیعه که بصیرتی در معانی اشیاء و حقیقت کلام ندارند به آنان معتقدند و گفته شده خداوند نام‌های ایشان را در عرش نگاشته بود و آدم (ع) آن‌ها را دید و ایشان را به واسطه آن شناخت و دانست که مقام ایشان نزد خداوند عظیم است» (مفید، مسائل العکبریه، ۳۸).

ثانیاً؛ متن حدیث دوم مضطرب بوده و باطل و غیر معتبر بودن آن واضح است. ثالثاً؛ در حدیث آمده که منظور از سبع مثنای هفت امام اول، و هفتمین آن‌ها قائم (عج) است. چنین روایتی با اعتقادات واقفیان سازگاری دارد، در حالی که در شیعه بودن یونس بن عبدالرحمن تردیدی نیست. لذا ایشان چطور می‌توانسته این روایت را نقل کرده باشد که هم مخالف نص و ظاهر و سیاق آیات است و هم با مبانی اعتقادی شیعه در تناقض است. لذا چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه بگوییم این حدیث ساخته و پرداخته دست غالیان است که وارد متون دینی شیعه شده‌است.

۶-۲. تطبیق و تأویلات بی اساس

تأویل در حقیقت، دانستن بطن آیه است. براساس روایات تنها راسخان در علم-که پیامبر (ص) و ائمه (ع) هستند-علم به تأویل دارند. مسلم است که غالیان جزو راسخان در علم نیستند که علم به تأویل قرآن داشته باشند.

۶-۲-۱. تطبیقات مخالف نص و سیاق

با بررسی سندی این دسته از روایات متوجه می‌شویم که سند این روایات ضعیف است و در سند آنان افراد غالی وجود دارند. در روایت اول احمد بن علی، غالی (واسطی بغدادی، ۴۳)؛ الحسین بن احمد، ضعیف و از غالیانی چون داود رقی روایت می‌کند (همان، ص ۱۱۳). در رابطه با احمد بن هلال نیز نجاشی در ابتدا او را صالح الروایه معرفی کرده و سپس روایاتی در مذمت او از امام حسن عسکری می‌آورد (نجاشی، ۸۳). طوسی او را به صراحت غالی (طوسی، رجال، ۳۸۴) و ابن غضائری نیز توقف در حدیث او را ضروری دانسته‌است (واسطی بغدادی، ۱۱۲). در سند دوم این حدیث نیز، عبدالواحد بن عبدالله بن یونس و عبدالکریم بن عمرو مهممل و احمد بن محمد بن رباح (طوسی، رجال، ۳۳۲) و الحسن بن ایوب (نجاشی، ۵۱) مجهول و احمد بن علی نیز از غالیان هستند (واسطی بغدادی، ۴۳). حدیث دوم هم که همه راویانش مهممل و حفص بن عمر مجهول (طوسی، رجال، ۱۱۲) است و روایت سوم به صورت مرسل از مفضل نقل شده‌است.

اشکالات محتوایی احادیث

به نظر می‌رسد این دسته روایات از نظر محتوایی نیز دارای تطبیقاتی خلاف ظاهر و سیاق آیات هستند. در حدیث اول، تفسیر ارائه شده از الساعة، برخلاف ظاهر آیه و همه آیاتی است که این واژه در آن‌ها به کار رفته است. ظاهر و سیاق آیه درباره قیامت است، در حالی که آیه به امام علی (ع) تطبیق داده شده است. لذا چنین تطبیقی به دور از عقل و سیاق آیه است.

در روایت دوم، اکثر مفسران منظور از عذاب ادنی را عذاب در دنیا، مراد از عذاب اکبر را عذاب در قیامت دانسته‌اند (طوسی، مجمع البیان، ۵۲۰/۸؛ طباطبایی، ۲۶۴/۱۶). روایات دیگری نیز وجود دارد که عذاب ادنی را؛ دابة الارض^{۲۰} و دجال^{۲۱} دانسته‌اند (قمی مشهدی، ۳۰۳/۱۰). علی بن ابراهیم قمی نیز منظور از عذاب ادنی را رجعت در زمان ظهور می‌داند (عروسی حویزی، ۱۷۰/۲). بنابراین به نظر می‌رسد هرچند در مصادیق عذاب ادنی در دنیا بین مفسران اختلاف وجود دارد، اما اکثر آنان عذاب اکبر را عذاب در قیامت می‌دانند، در حالی که در روایت فوق، عذاب آخرت به شمشیر حضرت عصر (عج) تأویل شده و به نوعی به امر ولایت ارتباط داده شده است، در حالی که چنین تطبیقی به دور از ظاهر و سیاق آیه است.

در روایت سوم نیز آیه ۲۱ سوره شعراء به زمان ظهور و رجعت تأویل شده در حالی که موضوع آیه درباره حضرت موسی (ع) است که پس از ارتکاب قتل، از ترس جانش به مدین فرار کرد. (طباطبایی، ۱۳/۱۸)

با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد که مفروضه به دلیل اعتقادات خاص خودشان (مثل تقویض و...) تلاش می‌کنند همه آیات و موضوعات را به نحوی به مسئله امامت ربط دهند، همان‌گونه که این مطلب در روایات مفضل نیز قابل مشاهده است. برداشت‌های انحرافی از آیات قرآن و تفسیر به رأی نیز یکی دیگر از مصادیق غلو شمرده می‌شود که این تحقیق در صدد بازشناسی چنین انحرافات است.

۶-۲-۲. تطبیقات مخالف واقعیت‌های تاریخی

راویان این احادیث یا مهمل (عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن، جبرئیل بن احمد، الحسن بن خرزاد، عبدالرحمن بن حماد) و یا مجهول‌اند (ابراهیم بن هاشم، محمد بن احمد) و یا حدیث دچار عارضه تعلیق سند است، مثل روایتی که از مفضل نقل شده و با طریق سوم که به صورت معنعن نقل شده است. همچنین احتمالاً در طریق آخر منظور از «الفضل» مفضل است که یک حرف آن افتاده است. در حدیث دوم نیز محمد بن جمهور (واسطی بغدادی، ۹۲؛ نجاشی، ۳۳۷) و عبدالرحمن بن کثیر (همان، ۲۳۴، ۲۳۵) از غالیان و جاعلان حدیث هستند.

^{۲۰} حدَّثنا الحسن بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن مفضل بن صالح، عن زید، عن أبي عبد الله (ع) قال: العذاب الأَدْنی دابة الأرض (قمی مشهدی، ۳۰۳/۱۰).

^{۲۱} روي عن أبي عبد الله (ع) و الأكثر في الرواية عن أبي جعفر و أبي عبد الله ع: أَنَّ العذاب الأَدْنی الذَّابَّة و الدَّجَال (طبرسی، مجمع البیان، ۵۲۰/۸).

اشکالات محتوایی

در باره دو روایت فوق نکات و اشکالات زیر قابل تأمل است:

اولاً که سوره انشراح در سال‌های اول بعثت نازل شده است، لذا بعید است که در سال‌های آغاز نبوت، از انجام آن سخن گفته شود. ثانیاً پیامبر تا زمانی که حیات داشته‌اند پیامبر نیز بوده‌اند، لذا در زمان حیات ممکن نیست از نبوت فراغت یابند. ثالثاً در بعضی روایات گفته شده بعد از اینکه از حجه الوداع، فارغ شدی، علی (ع) را به امامت منصوب کن (عروسی حویزی، ۲/۴۲۸) و می‌دانیم حجه الوداع حدود بیست سال پس از نزول این سوره بوده است.

همچنین سوره ماعون در سال‌های اول بعثت نازل شده است، لذا چطور می‌توان گفت که مراد از دین، ولایت علی (ع) است؟! بلکه این آیه به شخص خاصی اشاره دارد که دین را تکذیب کرده است (در تفسیر قمی آمده که این آیه درباره ابوجهل و کفار قریش نازل شده است) (عروسی حویزی، ۲/۴۴۴).

بنابراین می‌توان گفت که روش‌هایی که غلات در تفسیر قرآن به آن‌ها استناد کرده‌اند، اشتباه‌اند. زیرا از طرفی جاعلان حدیث مورد لعن و نفرین پیامبر (ص) و ائمه (ع) بوده‌اند و از طرف دیگر غالیان از مصادیق راسخان در علم نیستند که قابلیت تأویل قرآن را داشته باشند.

نتایج

۱. مبانی و روش‌های ارائه شده از سوی غلات غیر الحادی یا مفوضه (مانند تحریف قرآن، اباحه‌گری، تفویض، تأویل و تطبیقات باطل و جعل حدیث)، اکثراً با اصول و مبانی پذیرفته شده شیعه در تفسیر قرآن در تعارض است. البته ناگفته نماند که بعضاً این مبانی و روش‌ها، طوری در هم تلفیق می‌شوند که تفکیک آن‌ها از هم بسیار دشوار می‌شود.
 ۲. استخراج روایات سران‌غالی روشن گردید که اکثریت آن‌ها دارای اشکالات اساسی در سند و متن احادیث‌اند و محتوای بسیاری از آن‌ها مانند علم غیب مطلق و اباحه‌گری با اصول و فروع شریعت و سنت پیامبر اکرم (ص) در تعارض هستند.
 ۳. روش‌هایی که غالیان در تفسیر قرآن به کار گرفته‌اند و تطبیقات خلاف ظاهر و بعیدی که آورده‌اند، پذیرش تفسیر ارائه شده از جانب آنان را خلاف عقل و شرع و آیات قرآن جلوه می‌دهد.
 ۴. اعتقاد به برخی از فضیلت‌ها و مقامات برای ائمه (ع) مانند تفویض و علم غیب و... نباید به اندازه‌ای باشد که ما را دچار غلو کند. همچنان‌که بازگو کردن نقش تخریبی غلات در تفسیر (مانند جعل حدیث و تطبیقات باطل)، نباید منجر به حذف فضایل و مناقب اهل بیت (ع) شود.
- همچنین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید که افرادی چون یونس بن عبدالرحمن و یا زراره و هشام بن سالم یا هشام بن حکم، حتی اگر نامشان در یک روایت غالیانه دیده شود، خود در شمار غلات نبوده‌اند، بلکه اتفاقاً از ناحیه غلات مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا؛ تهران؛ نشر جهان؛ ۱۳۷۸ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت؛ دار صادر؛ ۱۴۱۴ ق.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم؛ مکتب الاعلام الاسلامی؛ ۱۴۰۴ ق.
- اشعری، سعد بن عبدالله؛ المقالات و الفرق؛ بی‌جا؛ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی؛ دوم؛ ۱۳۶۰ ش.
- انصاری بوبر احمدی، علی؛ غلو از دیدگاه تشیع؛ قم؛ آشیانه مهر؛ ۱۳۸۹ ش.
- بحرانی، هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ سیدهاشم بحرانی؛ تهران؛ بنیاد بعثت؛ ۱۴۱۶ ق.
- بهبودی، محمد باقر؛ معرفة الحدیث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعة الامامیة؛ تهران؛ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۶۲ ش.
- توران، امداد؛ خلقت نوری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در اندیشه امامان نخستین؛ قم؛ انتشارات دار الحدیث؛ ۱۳۹۸ ق.
- جعفری، یعقوب؛ تفسیر کوثر؛ بی‌جا؛ نرم افزار جامع التفسیر؛ بی‌تا.
- حاجی زاده و دیگران؛ یدالله؛ «ریشه‌ها و علل پیدایش غلو در عصر ائمه (ع)»؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ سال چهارم؛ شماره ۱۲، ۱۳۹۲ ش.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تهران؛ مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة؛ ۱۴۱۱ ق.
- حسنی، حسن؛ اخبار و آثار ساختگی (سیری انتقادی در حدیث)؛ ترجمه: حسین صابری؛ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس؛ ۱۳۷۳ ش.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس؛ بیروت؛ دارالفکر؛ ۱۴۱۴ ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی؛ حسین بن احمد؛ تفسیر اثناعشری؛ تهران؛ انتشارات میقات؛ ۱۳۶۳ ش.
- حسینی همدانی، محمد حسین؛ انوار درخشان؛ تهران؛ کتاب‌فروشی لطفی؛ ۱۴۰۴ ق.
- حلی، ابن داوود؛ الرجال؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۲ ش.
- خوانساری، محمد باقر؛ روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات؛ قم؛ بی‌نا؛ بی‌تا.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی؛ «رد پای غالیان در روایات تفسیری»؛ پژوهش دینی؛ دانشگاه قم؛ شماره ۱۹؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت؛ دارالعلم؛ ۱۴۱۲ ق.
- سلطانی، محمد؛ از ستایش تا پرستش؛ بی‌جا؛ بی‌تا (سایت قائمیه اصفهان).
- سید مرتضی؛ تنزیه الأنبیاء؛ قم؛ الشریف الرضی؛ ۱۲۵۰.

- شاکر، محمد کاظم؛ روش‌های تأویل قرآن؛ قم؛ مؤسسه بوستان کتاب؛ ۱۳۸۸ ش.
- شریعتی، علی؛ تشیع علوی و تشیع صفوی؛ بی‌جا؛ ۱۳۹۴ ش.
- شیبی، کامل مصطفی؛ تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم؛ تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۸۷ ش.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ قم؛ الشریف الرضی؛ ۱۳۶۴ ش.
- صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ قم؛ انتشارات فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۶۵ ش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ شرح أصول الکافی؛ تهران؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ ۱۳۸۳ ش.
- صدوق، محمد بن علی؛ علل الشرایع؛ قم؛ کتاب‌فروشی داوری؛ ۱۳۸۵ ش.
- صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)؛ قم؛ مکتبه آیه الله المرعشی النجفی؛ ۱۴۰۴ ق.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ غالیان: کاوشی در جریان‌ها و برایندها تا پایان سده سوم؛ مشهد؛ آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۸ ش.
- _____، «جریان‌شناسی غلو»؛ علوم حدیث؛ شماره ۱، ۱۳۷۵.
- _____، دانشنامه امام علی (ع)؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ بی‌تا.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران؛ ناصر خسرو؛ ۱۳۷۲ ش.
- طبرسی، تفسیر جوامع الجامع؛ تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۷ ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ تهران؛ مرتضوی؛ ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ رجال؛ قم؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ ۱۳۷۳ ش.
- _____، الغیبه؛ قم؛ دار المعارف الإسلامیة؛ ۱۴۱۱ ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی؛ قم؛ انتشارات اسماعیلیان؛ ۱۴۱۵ ق.
- عسکری، مرتضی؛ القرآن الکریم و روایات المدرستین؛ تهران؛ مجمع علمی الاسلامی؛ ۱۳۸۷ ش.
- علامه حلی؛ أجوبة المسائل المهنائیة؛ علامه حلی؛ قم؛ خیام؛ ۱۴۰۱ ق.
- _____، رجال؛ نجف؛ دار الذخائر؛ بی‌تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تهران؛ چاپخانه علمیه؛ ۱۳۸۰ ش.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی؛ کلمات مکتونه من علوم اهل الحکمة والمعرفة؛ تصحیح: شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی؛ قم؛ مؤسسه انتشارات فراهانی؛ ۱۳۶۰ ش.

فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم؛ مؤسسة دارالهجرة؛ ۱۴۱۴ق.
 قبادی، مریم و مهدوی‌راد، محمدعلی؛ «بازشناسی اندیشه غلو»؛ مطالعات اسلامی؛ دانشکده
 الهیات و معارف مشهد؛ شماره ۷۸؛ زمستان ۱۳۸۶ش.
 قمی مشهدی، محمد؛ تفسیرکنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی؛ ۱۳۶۸ش؛
 کاشانی، فتح‌الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران؛ کتاب‌فروشی محمد حسن
 علمی؛ ۱۳۳۶ش.

_____، زیادة التفاسیر؛ قم؛ بنیاد معارف اسلامی؛ ۱۴۲۳ق.
 کشی، محمدبن عمر؛ اختیار معرفه الرجال؛ مشهد؛ مؤسسة نشر دانشگاه مشهد؛ ۱۴۰۹ق.
 کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی (دار الحدیث)؛ قم؛ دارالحدیث؛ ۱۴۲۹ق.
 کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات الکوفی؛ تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی؛ ۱۴۱۰ق.
 مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت؛ دار إحياء التراث العربي؛ ۱۴۰۳ق.
 _____، مرآة العقول؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۶۳ش.
 مجله حوزة؛ «غلات از دیدگاه شیخ مفید»؛ مجله حوزة، شماره ۵۴، ۱۳۷۱ش.
 محمدی فام، فریدون و نبوی، مجید؛ «سیر تطور تاریخی غلو در سه مکتب کلامی کوفه، قم و
 بغداد»؛ مطالعات تاریخی قرآن و حدیث؛ شماره ۶۵؛ بهار و تابستان ۱۳۹۸ش.
 مدرسی طباطبایی، محمد حسین؛ مکتب در فرایند تکامل؛ ترجمه: هاشم ایزد پناه؛ تهران؛ کویر؛
 ۱۳۸۹ش.

مشکور، محمد جواد؛ فرهنگ فرق اسلامی؛ مشهد؛ آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۲ش.
 مظفر، محمد حسین؛ علم الامام؛ بی‌جا؛ بی‌تا؛ نرم‌افزار علم الکلام.
 مفید، محمد بن نعمان؛ مسائل العکبریه؛ بیروت؛ دارالمفید؛ ۱۴۱۴ق.
 _____، أوائل المقالات في المذاهب والمختارات؛ قم؛ المؤتمر العالمي للشيخ المفید؛ ۱۴۱۳ق.
 _____، تصحيح اعتقادات الإمامية؛ قم؛ المؤتمر العالمي للشيخ المفید؛ ۱۴۱۳ق.
 _____، المسائل السروية؛ قم؛ المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید؛ ۱۴۱۳ق.
 مؤدب، سیدرضا؛ روش‌های تفسیر قرآن؛ قم؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۹۲ش.
 الموسوی خوئی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه؛ قم؛ دفتر آیت‌الله
 الخوئی؛ ۱۳۶۸ش.

نادم، محمدحسن؛ «علم غیب پیامبر(ص) و امام از نگاه متکلمین و فلاسفه»؛ امامت‌پژوهی؛
 دانشگاه ادیان و مذاهب قم؛ شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.
 نجاشی، احمد بن علی؛ رجال؛ قم؛ مؤسسة النشر الاسلامی؛ ۱۳۶۵ش.
 نوبختی، حسین بن موسی؛ فرق الشیعه؛ بیروت؛ دارالاضواء؛ ۱۴۰۴ق.
 واسطی بغدادی، احمد بن حسین؛ الرجال؛ قم؛ دار الحدیث؛ ۱۳۶۴ش.